اخبار

عروسک‌های سنتی ژاپنی در ایران به نمایش در می‌آیند

در نمایشگاه عروسک‌های ژاپنی که با همکاری بنیاد ژاپن برگزار می شود، تعدادی از عروسک های سنتی و مدرن از ژاپن به ایران برای نمایش انتقال پیدا کرده است این عروسک ها که برای دوره های مختلفی هستند، قدمتی حدود ۲۵۰ سال دارند و از برخی از آنها در انیمیشن استفاده می شده است.

بازدید برای عموم مردم از این نمایشگاه آزاد خواهد بود و در روزهای آینده مراسم افتتاحیه ای برای این نمایشگاه برگزار خواهد شد.

تعطیلی یک روزنامه جریان‌ساز پس از ۱۲ سال

مشکلات کاغذ و گرانی آن که باعث تعطیلی برخی از رسانه‌ها و تعدیل نیروی کار حرفه‌ای آنها شده است، این بار نیز دامن یک رسانه دیگر را گرفته است.

دو شب گذشته، حساب اینستاگرامی وابسته به روزنامه وطن امروز با انتشار عکسی اعلام کرد که از امروز شنبه منتشر نخواهد شد.

این روزنامه با انتشار متنی در اینستاگرام نوشت: «تا سلامی دوباره، خداحافظ! به اطلاع می رسانیم که روزنامه وطن امروز به علت مشکلات مالی از فردا منتشر نخواهد شد.»

روزنامه وطن امروز که با تیترهای پرطمطراق و جنجالی خود شناخته می‌شود، مجوز انتشار خود را در بهمن ۱۳۸۶ از وزارت ارشاد دریافت کرده و در مدت فعالیت خود یک بار دیگر نیز به خاطر مشکلات مالی تعطیلی موقت را تجربه کرده بود.

آخرین شماره وطن‌امروز پنجشنبه ۱۰ مرداد با تیتر «تدبیر صفرها» منتشر شد

واردات کاغذ کتاب‌های درسی با ارز ۴۲۰۰ تومانی

رضا رحمانی گفت: بر اساس آخرین مصوبه هیات دولت، ارز اختصاصی به کاغذ کتاب‌های درسی و روزنامه همان ۴۲۰۰ تومان است و تصمیم جدیدی در این باره اتخاذ نشده است.

وزیر صنعت، معدن و تجارت درباره دستوری مبنی بر ترخیص کاغذ با دلار ۹ هزار تومانی گفت: سندی برای ترخیص کاغذ با دلار ۹ هزار تومانی ندیده‌ام، اما بر اساس آخرین مصوبه هیات دولت، ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کاغذ در نظر گرفته شده است.

وی تصریح کرد: اگرچه انواع کاغذ اعم از صنفی، صنعتی و ... وجود دارد، ولی ارز اختصاصی به کاغذ کتاب‌های درسی و روزنامه تغییری نکرده و همان ۴۲۰۰ تومان است.

نویسندگان و ناشران بیش از ۵۰ کشور آفریقایی در کنیا گردهم آمدند

موسسه ملی انتشارات کنیا به مدت سه روز میزبان بیش از ششصد نفر از نویسندگان و ناشران کتاب از پنجاه کشور جهان بود. اکثر قریب به اتفاق میهمانان این نشست از کشورهای افریقایی بودند.

سمینار بین المللی سه روزه نویسندگان وناشران با شعار «شناخت توانمندی آفریقا در رهبری جهانی انتشارات در قرن ۲۱ میلادی» در تاریخ ۳۱ ماه جاری جولای در شهر نایروبی آغاز به کار کرد. آقای لورنس انجاگی رئیس موسسه ملی انتشارات کنیا در نطق سخنرانی افتتاحیه خود گفت: چشم انداز جهانی کتاب محلی بر روی آفریقا متمرکز است و بسوی اهداف مشخصی در این قاره هدایت خواهد شد.

وی افزود: علیرغم وجود برنامه‌های گوناگون ارائه شده برای سواد آموزی در این قاره، توجه بسیار کمی به الهام بخشی تاثیر فرهنگ و مطالعه در بین جوانان دیده می‌شود. نتیجه اینکه متاسفانه مطالعه کمتر و تماشای تلویزیون و کار با کامپیوتر و... بیشتر از گذشته شده است. ما نیازمندیم که دولت‌ها کمک‌های خود از آژانس‌ها و موسسات انتشاراتی، کتابخانه‌ها، معلمان و خانواده‌هایی که پرورش دهنده فرهنگ مطالعه هستند، قطع نکرده و میزان این کمک‌ها را از قبل بیشتر کنند.

رمان علمی‌تخیلی «باران‌زاد» چاپ شد

رمان «باران‌زاد» نوشته ضحی کاظمی به‌تازگی توسط انتشارات کتابسرای تندیس منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌کتاب در حوزه ادبیات علمی‌تخیلی جا دارد.

«باران‌زاد»، هشتمین رمان ضحی کاظمی است که پیش از این، آثاری در ژانرهای علمی‌تخیلی و فانتزی، نوشته و منتشر کرده است. رمان علمی‌تخیلی «کاج‌زدگی» این‌نویسنده در جایزه نوفه (بهترین رمان ادبیات گمانه‌زن) تقدیر شد. «خاک آدم‌پوش»، مجموعه سه‌جلدی «دنیای آدم‌نباتی‌ها»، «سال درخت» و «اینجا کسی مرده؟» دیگر آثار منتشر شده کاظمی در حوزه ادبیات گمانه‌زن هستند.

رمان «باران‌زاد» یک داستان علمی‌تخیلی و پساآخرالزمانی است که آینده‌ای دور را به تصویر می‌کشد. در آغاز قصه، سلسله‌ای از بلایای طبیعی، خشکی‌های کره زمین را در آب غرق کرده و انسان‌هایی که از فاجعه آخرالزمانی «مه بزرگ» جان سالم به در برده‌اند، روی کشتی‌ها و جزیره‌های سر از آب بیرون آورده با قوانین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برساخته از آیین و اعتقادات جهان جدید، زندگی می‌کنند. اما آیین سیاسی دنیای پس از آب، برایشان غیر از مصیبت چیزی به همراه ندارد و آن‌ها را به سمت جنگی ناخواسته و بی‌پایه و اساس سوق می‌دهد.

در ادامه داستان، مردمان دریا سر دوراهی دشواری مانده‌اند؛ اینکه برای بقا، فرامین آیین خود را زیر پا بگذارند یا از ترس عقوبت این نافرمانی، مرگ را بپذیرند. اما طبیعت، بی‌اعتنا به چهارچوب‌های خودساخته بشر و درگیری‌های او برای حفظ آن، مسیر دیگری را پیش گرفته است.

کدام مقاومت؟ کدام رهایی؟

دشواری‌های مقاومت در دورانی که «پول» خدایی می‌کند!

مقاومت در برابر کشوری که به طور نمادین معنایی جز «تجسم نظام‌مند پول» ندارد، توسط کسانی که بارها و بارها ثابت کرده‌اند شیفته، مفتون و «کشته‌مرده» پول هستند، چه معنایی می‌تواند داشته باشد!

یک:

چند سال پیش در جلسه‌ای «خصوصی» با حضور دو تن از چهره‌های فرهنگی رسانه‌ای تأثیرگذار کشور حضور داشتم که قرار بود درآن جلسه درباره راه‌اندازی یک سایت و مجله فرهنگی رسانه‌ای صحبت شود. یک طرف این گفت‌وگوی دو طرفه، چهره انقلابی رادیکالی حضور داشت که قرار بود با دفاع از طرحش برای راه‌اندازی سایت و مجله، به گفته خودش، مقابله و مقاومتی تمام‌عیار را در برابر روشنفکران و غرب‌زده‌ها و نئولیبرال و... ایجاد کند. طرف دوم اما مسئولی فرهنگی رسانه‌ای نشسته بود که بیشتر شنونده بود و گویی می‌توانست زیرساخت‌ها، هزینه‌ها و از همه مهمتر «پول» این اصطلاحاً مقابله تمام عیار در برابر وادادهها و غربزده‌ها و نئولیبرالها و روشنفکران خودفروخته و... را فراهم کند.

فرایند پرزنت طرح، از سوی چهره اصطلاحاً اندیشه‌ورز و منتقد فرهنگی و... بسیار پرشور انجام می‌شد و در لابه‌لای صحبت‌ها هم تاکید ویژه‌ای بر «ضرورت انجام این تکلیف به هر قیمتی» می‌شد و همچنین تاکید بر این نکته مدام تکرار می‌شد که اگر چنین مقابله‌ای صورت نگیرد تمام «ارزش‌های اصیل» فرهنگ دینی و انقلابی ما محو و نابود خواهد شد و....

همه این حرف‌های صریح و رادیکال تا لحظات پایانی این جلسه (هنگام خداحافظی دو چهره فرهنگی) در هاله‌ای از ابهام وجود داشت تا اینکه حرف اصلی و روشنگر، توسط چهره اندیشه‌ورز رسانه‌ای و فرهنگی زده شد. در انتهای این نشست گفته شد که این کار هزینه و بودجه بالایی می‌خواهد و اگر شما تأمین کنید، تیم ما کار را شروع خواهد کرد. بعد از چند ماه، آن کار شروع شد و البته چند ماه از شروع هم به دلیل مشکلاتی تعطیل شد و «انجام تکلیف به هر قیمتی» روی زمین ماند و آرمان مقابله و مقاومت معطل ماند!

دو:

مدتی پیش با یک تیم فرهنگی - اجتماعی متصف به آرمانگرایی، عدالت‌خواهی و انقلابی و... درگیر یک کار رسانه‌ای بودیم تا از مشکلات مردم حرف بزنیم. پروژه عظیمی بود که از ابتدا، انتهایش هیچ معلوم نبود و کار این مجموعه در حکم گشودن راهی یا روزنه‌ای برای شنیده شدن حرف‌ها و دردهای مردم بود. فرایند رو به جلوی این اقدامات رسانه‌ای در بین مردم در حاشیه مانده استان‌های کشور شوری به پا کرد و این تیم رسانه‌ای با حجم بالای تعریف‌ها و تمجیدها و «خداقوت» ها و «با همین فرمان جلو بروید» از سوی مسئولان دغدغه‌مند و مردم دردمند روبرو شده بود. بیش از دو سال از مراحل نفس‌گیر و حساس کار می‌گذشت و همه چیز تقریباً داشت سر جای خودش قرار می‌گرفت تا گامی بلند در راستای جریان‌سازی رسانه‌ای برای بازتاب صدای «دیگرانی» که عموماً از رسانه‌های کشور حذف‌شده بودند برداشته شود؛ اما مسئول مجموعه فرهنگی اجتماعی مذکور، تیم رسانه‌ای را که تا آن زمان کارشان «رضایت‌بخش» توصیف می‌شد، مخاطب قرار داد و گفت به نظر می‌رسد که این کار رسانه‌ای بازخوردی ندارد و علی‌رغم دغدغه‌های ما برای بازتاب درد و داغ‌های مردم و کار خوبی که در حال انجام است، برآیند آن رضایت‌بخش نیست!

کار رسانه‌ای، بعد از چند روز متوقف شد و معلوم بود که دلیل اصلی این توقف، چیزی جز «پول» و «سود» نیست. این اتفاق در حالی رخ می‌داد که همزمان بودجه‌های هنگفتی توسط مجموعه‌های بالادستی مؤسسه در مسیرهایی صرف و خرج می‌شد که هرچند بازخورد رضایت‌بخش مادی (نه صرفاً «پولی») داشت، اما مطلقاً عاری از هر گونه کیفیت بهبود دهنده در وضعیت موجود و عنصری با عنوان «مقاومت» بود. البته باید به مؤسسات و ارگان‌ها و نهادها و... حق داد که دنبال بازگشت سرمایه و ثروت خود باشند، اما آنچه در اینجا نمی‌تواند حقانیت داشته باشد، تسلط پول و سود حداکثری بر «همه چیز» اعم از آزادی، عدالت، حیات، شرافت و حتی جان آدمی است. مسئله این است که هر گاه سوژه‌ها و ساختارهای موجود در اداره جامعه در برابر دوراهی «پول» و «حقیقت، شرافت، عدالت، آزادی و...» قرار می‌گیرند و مجبورند بین این دو راه، یکی را انتخاب کنند، انتخابشان کدام است. وضعیت کنونی و انتشار گسترده اخبار در خصوص فساد از رده‌های بالای مدیریتی در کشور نشان می‌دهد که در دهه‌ها اخیر به طور گسترده‌ای «بنیان ارزش‌ها» در کشور جابه‌جا شده و «پول» به عنوان مهمترین بنیاد کنونی ارزش‌ها خود را بر دیگر رقبا برتری داده است.

در چنین وضعیتی، مقاومت با هدف دفاع از اصول، بنیادها و ارزش‌های متعالی و چه و چه، در فرایندهایی کاملاً رنگ‌باخته صورت می‌گیرد و از درون بی‌معنی می‌شود. مصداقی را به ذهن آورید که مثلاً مؤسسه‌ای فرهنگی در اقدامات اصطلاحاً معنوی‌اش تلاش می‌کند به «گردشگری مذهبی» روی آورد و در این زمینه فعالیت کند؛ گردشگران که احتمالاً عمومشان مردمی مذهبی و سنتی هستند چنین برنامه‌هایی را «خداپسندانه» و «مذهبی» و غیره می‌دانند و با مؤسسه همراه می‌شوند و مثلاً به زیارت مشهد مقدس و کربلای معلای و... می‌روند. حالا فرض کنید بعد از اجرای دو سه برنامه زیارتی توسط این مؤسسه، آنچه عیان می‌شود این است که کارگزاران در حال پر کردن جیب خودشان هستند و اساساً کنش «فرهنگی» و «مذهبی» و «معنوی» و... پوششی فریبنده برای ساده‌دلان باایمانی است که در پس‌زمینه یک زلال بودن مبتنی بر اعتقادات مذهبی، بیایند پولشان را در اختیار مؤسسه بگذارند. بعد از رو شدن چنین واقعیتی اراده به «پیشبرد معنویت» در این مؤسسه می‌تواند باورپذیر و تأثیرگذار باشد؟

چنین وضعیتی در خصوص عموم بنگاه‌های خیریه و انجام کارهای فرهنگی و تولید محصولات فرهنگی از جمله فیلم سینمایی و سریال و... هم صدق می‌کند و لااقل ما در سال‌های اخیر شاهد نمونه‌های بسیار پولشویی از رهگذر همین خیریه‌ها، تعاونی‌ها، فیلم‌سازی‌ها و سریال‌سازی‌ها و غیره بودیم. همه اینها نشانگر تسلط همه‌جانبه «پول» بر شئون مختلف حیات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... در ایران است و این سوال اساسی را پیش می‌آورد که وقتی بنیاد ارزش‌ها در چنین جامعه‌ای «پول» است، چنین جامعه‌ای چطور می‌تواند از ارزش‌های غیرمادی و اصیل انسانی در برابر دشمنی که خود به گویاترین شکل، تجسم و نماد «پول» در کلیت جهان و تاریخی است که بشر آن را ساخته، مقاومت کند؟ مقاومت در برابر کشوری که به طور نمادین هیچ معنایی جز «تجسم نظام‌مند پول» ندارد، توسط کسانی که بارها و بارها ثابت کرده‌اند شیفته، مفتون و «کشته‌مرده» پول هستند، چه معنایی دارد.

سه:

یکی از جنجالی‌ترین متفکران دو قرن اخیر جهان، قطعاً «کارل مارکس» است. چه ما با او موافق باشیم، چه نباشیم، تأثیری که او بر جهان مدرن گذاشته است، تقریباً نمونه دیگری ندارد. البته آرای او در ایران سرنوشتی پیچیده و تراژیک پیدا کرده و همین امر موجب می‌شود هر جا نامی از آن برده شود «جنگ انگ» آغاز شود و حواشی به تمامی جای متن را بگیرد. در اینجا به حواشی کاری نداریم؛ بیایید به برخی آموزه‌های او که مرتبط با مضامین طرح شده در بالاست نگاهی بیندازیم؛ طبیعی است که آرای مارکس هم مانند هر آرای متفکر دیگری نیازمند بازخوانی و بازاندیشی است. بویژه امروز وقوع تجربیات جدید جهانی، در دورانی که مارکس مجال درک آن را نیافت به خوبی نشان داد که نقصان‌های اندیشه مارکسیستی بسیار جدی است و به همین دلیل بازاندیشی در خصوص اندیشه‌هایش باید وجه جدی‌تری به خود بگیرد.

به هر حال، هدف این گزارش، به هیچ‌وجه شرح و تبیین اندیشه‌های «مارکس» نیست، بلکه در اینجا مسئله اصلی «پول» است و بنابراین پای چیزی به عنوان اقتصاد و مناسبات اقتصادی وسط می‌آید؛ مناسباتی که شاید هیچ‌کسی مانند مارکس در فهم دقیق آن به بشریت کمک نکرده، هرچند اگر اندیشه‌هایش به طور جدی نیازمند بازخوانی و فهمیدن دوباره باشند. در این خصوص اتفاقا رأی و کلام او در خصوص «زیربنا» بودن اقتصاد و مناسبات تولید در نسبت با سایر حوزه‌ها و امور، دقیقاً نیازمندِ همین بازتعریف و تفسیر دوباره است. معنای این اعتقاد مارکس صرفاً این نیست که اقتصاد، عامل اصلی تعیین‌کننده فرهنگ، مذهب و سیاست است، بلکه در نظر او، جایی که نزاع و تخاصم اجتماعی بر سر منافع اقتصادی و سرمایه‌ای باشد، تمام نزاع‌های دیگر، بی‌ارزش و فاقد اهمیت است. او اعتقاد داشت تنها کسانی می‌توانند نزاع اجتماعی را درست درک کنند که این تخاصم و ستیز را در متن یک تضاد طبقاتی و اقتصادی فهم کرده باشند. زیرا بر مبنای اندیشه او، تا جایی که ضدیت و ستیز اجتماعی، به اقتصاد و منافع سرمایه‌ای مربوط نشود، مهم نیست که حق با چه کسی است. تنها در بستر توزیع منافع است که چنین جدال‌هایی ارزش بررسی و فهم پیدا می‌کنند. طبق دیدگاه مارکس، جدال‌های ایدئولوژیک در جهان سرمایه‌داری اگر سهمی در توزیع منافع نداشته باشند، حقانیّت می‌تواند صفت و ویژگی هر جریانی باشد که در این جدال‌ها دخیل‌اند.

بنابراین کسانی که نزاع و تضادهای ایدئولوژیک جهان سرمایه‌داری را بر اساس مناسبات اقتصادی تعریف نمی‌کنند، عموماً قادر به درکِ منطقِ روابط دنیای جدید نیستند. بدین ترتیب دیدگاه مارکس را باید این‌گونه در نظر آورد: «جایی که پول مسأله است، سایر امور یا از میدان به‌در خواهند شد، یا اینکه در منطق سرمایه‌داری ادغام و به امری فُرمال، ظاهری و لذا تهی‌شده، تقلیل می‌یابند». شواهد و مصادیق بیشماری از این بصیرت را می‌توانیم در جامعه خودمان نشان دهیم؛ همه عرصه‌هایی که در آنها سوژه‌ها و ساختارها به پیوند سرمایه‌داری با دین و مناسبات اعتقادی رسیده‌اند و به قولی از دین ارتزاق شده است، می‌تواند صادیق و شواهد این موضوع باشد. حتی در سطح جهانی هم پیوند سرمایه‌داری با خود آرای مارکس، با کمونیسم و سوسیالیسم در کشورهای مختلفی از جمله روسیه و چین و... هم قطعاً در این راستا قابل فهم است. همه این‌ها نشان می‌دهند که چرا پول در جهانی با سیطره ارزش‌های سرمایه‌داری «مهمترین ارزش» و حتی خاستگاه همه ارزش‌های دیگر است و چگونه همه ارزش‌ها در مجاورت جلال و جبروت و الوهیت «پول» رنگ می‌بازد، حتی ارزشی تاریخی مانند «مقاومت»!

بنابراین نمی‌توانیم بدون اینکه ارزش «مقاومت» را در کنار خاستگاه نهایی همه ارزش‌های جهان کنونی فهم کرده باشیم، از چیزی انتزاعی و ایده‌آلیستی با درون‌مایه «ایستادگی در برابر دشمن» سخن بگوییم. در حقیقت مجبوریم برای فهم این مسئله و همه مسائل و جدال‌های جامعه ایرانی بار دیگر به کارکرد «پول»، این الوهیت برساخته جهان سرمایه‌داری، ایمان بیاوریم! چیزی که بیش از هر موجود دیگری به عنوان «قادر مطلق» تعین یافته و خود را به امری فناناپذیر و جاودانه بدل کرده است. در این وضعیت، حتی زمانی که اسکناس‌ها چروک و کهنه می‌شوند، کماکان ارزش واقعی‌شان محفوظ و امری جاودان و ابدی باقی می‌ماند. در راستای فهم این موقعیت، خوب یا بد، کفرآمیز یا غیرکفرآمیز، باید در برابر این واقعیت تسلیم شویم که در میان همه نشانه‌های جهان امروز، هیچ امری به میزان پول، خدا را بازنمایی نمی‌کند! با این وضعیت و در دل چنین الوهیتی، آیا واقعاً می‌توان از آرمان غیرمادی «مقاومت» به شکلی معنی‌دار سخن گفت و خوشبینانه آن را به عنوان آخرین سنگر برای دفاع از ارزش‌های والای انسانی، معنوی در برابر جهانی که به شکلی فراگیر صرفاً با سود و سرمایه و پول و قدرت ناشی از آنها تعین یافته است، به کار گرفت؟!

معاون نظارت و ارزشیابی بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای مطرح کرد

خانواده‌ها را با آسیب‌های بازی‌های رایانه‌ای آشنا کنیم

خسرو کردمیهن معاون نظارت و ارزشیابی بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در نشستی که با حضور اعضای کودک و نوجوان مجتمع فرهنگی‌هنری کانون زاهدان با موضوع بازی‌های رایانه‌ای برگزار شد، با اعلام این مطلب گفت: اعتماد مردم به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سرمایه‌ای گران‌بهاست که با آن می‌توان در سطح جامعه فرهنگ‌سازی کرد.

وی در ادامه با اشاره به گستردگی استفاده‌ی کودکان و نوجوانان از بازی‌های رایانه‌ای، ضعف نظارت و عدم آگاهی خانواده‌ها در این حوزه را آسیب‌زا دانست و بر نقش کانون در فرهنگ‌سازی استفاده صحیح از بازی‌های رایانه‌ای در بین خانواده‌ها تاکید کرد.

در این نشست، اعضای کودک و نوجوان کانون در مورد بازی‌های رایانه‌ای مورد علاقه‌ی خود صحبت کردند.

اعضا در این بخش از گفت‌وگو با شناختی کامل از بازی‌های ایرانی و خارجی موجود در بازار در مورد بازی‌هایی مانند شتاب در شهر، کلش رویال، DOTA، pes۱۹ و... صحبت کردند و هماهنگی عضلات، تقویت حواس و حرکات دست، بالابردن اعتماد به نفس و سرعت عمل در کار را از جمله ویژگی بازی‌های رایانه‌ای عنوان کردند و در کنار آن به بدآموزی‌های برخی بازی‌ها چون GTA و مساله ترویج خشونت اشاره کردند.

این اعضای کانون هم‌چنین از کیفیت پایین تعدادی از بازی‌های تولید داخل و جذاب‌نبودن آن‌ها شکایت داشتند.

پس از سخنان بچه‌ها، کردمیهن با اظهار اشاره به تسلط کودکان بر بازی‌ها، به آنان گفت: با انتقادهای شما موافقم و هم‌چنین با بازی‌های خارجی مخالف نیستم؛ به شما توصیه می‌کنم بازی‌هایی انتخاب کنید که مجوز دارند و سالم هستند.

وی هم‌چنین به آنان یادآور شد بازی‌ها نباید شما را از کارهای مهم دیگری چون تحصیل، کمک به خانواده و... دور کند.

کردمیهن سپس در خصوص «جام قهرمانان بازی‌های ویدیویی ایران» گفت: این جام در ۸ رشته‌ی PES۱۹، FIFA۱۹، DOTA۲، کلش رویال، کوییز آو کینگز، کانتر استرایک، پسرخوانده و بازی جدی «مغزینه» برای گروه سنی ۳ تا ۱۸ سال و همچنین بزرگ‌سالان ۱۸ سال به بالا برگزار می‌شود و شما می‌توانید در این رقابت‌ها شرکت کنید.

وی سپس به اهمیت برگزاری «جام قهرمانان بازی‌های ویدیویی ایران» اشاره کرد و افزود: استعدادهای بی‌شماری در میان کودکان و نوجوانان داریم که در خلال انجام این مسابقه‌ها شناسایی می‌شوند و می‌توانند در این زمینه صاحب‌نظر و سرآمد باشند.تحلیل هوشمندانه‌ی بازی‌های رایانه‌ای از سوی اعضای کودک و نوجوان مجتمع فرهنگی‌هنری کانون زاهدان از نکات مثبت این جلسه بود.

در این نشست مدیرکل کانون استان نیز با معرفی فعالیت‌های کانون و نقش آن در کاهش آسیب‌های اجتماعی، گوشه‌ای از اقدامات کانون در روستاها و حاشیه‌ی شهر را، با استفاده از ظرفیت کتاب‌خانه‌ی سیار، بیان کرد و گفت: با هم‌افزایی دستگاه‌ها و سازمان‌ها می‌توان گام‌های موثرتری در این زمینه برداشت.

معصومه هادی در ادامه با اشاره به اهمیت بازی‌ها در رشد شخصیت کودکان و نوجوانان گفت: بازی خلاقیت بچه‌ها را افزایش می‌دهد و یادگیری را برای آنان آسان‌تر می‌کند؛ از این‌رو به عنوان ابزاری قوی می‌تواند در «تمرین زندگیِ خوب» موثر باشد.

وی سپس افزود: «بازی» زندگی کودکان است و هر فعالیتی در قالب بازی به آنان ارایه شود با استقبال روبه‌رو خواهد شد از این‌رو «انتقال ارزش‌ها و فرهنگ‌ها»، به عنوان یکی از کارکردهای مهم، ضروری است مورد توجه صاحب‌نظران قرار گیرد.

هادی از بازی‌های رایانه‌ای به عنوان فرصت و تهدید یاد کرد و با توجه به عمومیت آن در میان خانواده‌ها، از آمادگی کانون برای برگزاری همایشی در این حوزه خبر داد تا خانواده‌ها با آگاهی بیشتری در این زمینه با فرزندان خود تعامل داشته و با ورود مناسب به عرصه‌ی ساخت بازی، در تولید بازی‌های ایرانی موثر باشند.

علاقه‌مندان برای ثبت‌نام در این رقابت‌ها می‌توانند به پایگاه رسمی برگزاری مسابقه‌ها به نشانی Irangamecup.com مراجعه کرده و با انتخاب رشته مورد نظر خود در این دوره از مسابقه‌ها شرکت کنند

در واکنش به اقدام عجیب کانون جهانگردی و اتومبیلرانی

ورود خودروهای دو دیفرانسیل به جنگل های هیرکانی را متوقف کنید

در روزهای اخیر کانون جهانگردی و اتومبیلرانی ایران ، تنها بعد از یک ماه از ثبت جهانی جنگل های هیرکانی که با تلاش سازمانهای مختلفی از جمله محیط زیست، منابع طبیعی و سازمان میراث فرهنگی پس از سالها تلاش انجام شد، تبلیغی را در فضای مجازی انتشار داده که در آن ذکر کرده رالی با خودروهای دو دیفرانسیل در جنگل های هیرکانی از ۲۶ تا ۲۸ مرداد ماه برگزار می شود . شروع آن نیز از پارکینگ مجموعه ورزشی دیزینریال طالقانی، قزوین، تنکابن، متل قو و کلاردشت خواهد بود در این تور که به مناسبت ثبت جهانی جنگل های هیرکانی برگزار می شود ورود برای همه دارندگان خودروهای دو دیفرانسیل آزاد اعلام شده است. این موضوع واکنش مسئولان مختلف محیط زیست به غیر از سازمان میراث فرهنگی را در پی داشت.

تا اینکه مدیرمحلی پروژه ثبت جهانی جنگل های هیرکانی در نامه ای که رونوشت آن را به سازمان محیط زیست، سازمان جنگل ها ، میراث فرهنگی و مدیران دیگر پروژه ثبت جهانی جنگل های هیرکانی ارسال کرده، خطاب به کانون جهانگردی و اتومبیلرانی ایران نوشته است: «آگهی برگزاری رالی دو دیفرانسیل به مناسبت ثبت جهانی جنگل های هیرکانی موجب تعجب و نگرانی مسئولان مرتبط و علاقه مندان محیط زیست شده است. از آنجایی که ثبت این اثر طبیعی بی نظیر پس از سالها تلاش به منظور شناسایی به جهانیان و حفاظت همه جانبه از آن بوده است، برگزاری رالی با این اتومبیل ها در تضاد با اهداف ثبت این اثر ارزشمند است.

بنابراین ضمن درخواست از همه سازمانها ها ، گروهها و اشخاص به حساسیت و توجه بیش از پیش به این موضوه و ارج نهادن به تلاشها پیشنهاد می شود، تور گردشگری مذکور با هدف معرفی ارزش های جنگل های هیرکانی و پاکسازی مناطق مورد نظر، با حذف اتومبیل های دو دیفرانسیل در محدوده جنگل های هیرکانی برگزار شود.»

بخش جالب ماجرا اینجاست که کانون جهانگردی و اتومبیلرانی یکی از بخش های زیر مجموعه سازمان میراث فرهنگی است گویا مسئولان این سازمان، مدیران زیرمجموعه خود را هنوز درباره اهمیت جنگل های هیرکانی توجیه نکرده اند.

در این باره محمد حسن طالبیان معاون میراث فرهنگی کشور به خبرنگاران گفت: من با مسئولان کانون صحبت کرده ام آنها گفتند که بخش خصوصی این پیشنهاد را داده و به صورت خودجوش عمل کرده است.

اخبار

نشست یک کتاب یک نویسنده در کتابخانه شهید قدیریان برگزار می شود

یک کتاب یک نویسنده عنوان نشستی است که در روز ۱۳ مرداد ماه در کتابخانه شهید قدیریان برگزار می شود.

به گزارش امتیاز، در این برنامه که با هدف ترویج فرهنگ کتابخوانی و با حضور مرتضی صالح آبادی به عنوان کارشناس و مجری برگزار می شود مقرر است تا کتاب چند مشت بادام کوهی نوشته زهره کیانی مورد نقد و بررسی قرار بگیرد.

کتاب چند مشت بادام کوهی مجموعه داستانی است با مضمون خانوادگی و اجتماعی و متشکل از ۱۷ داستان است ،در قسمتی از کتاب می خوانیم:خودت بودی و خودت،با همان پایی که طبیعیش را داده بودی برای وطنت و شاهنامه ای که همیشه روی دوپایت بود...

زهره کیانی امینه فارغ التحصیل رشته تاریخ دانشگاه اصفهان است و نوشتن را از دوران دانشجویی آغاز کرد و داستانهایش در نشریات متعدد چاپ شده است.

از مهمترین کتابهای ایشان می توان،مرغ ماهیخوار،من شیمیایی شده ام،مثل بختک و... اشاره کرد.

علاقه مندان میتوانند برای شرکت دراین نشست در زمان یاد شده از ساعت ۱۶ به میدان حر ،خانه فرهنگ حر ،کتابخانه شهید قدیریان مراجعه و یا برای کسب اطلاعات با تلفن ۶۶۴۰۹۵۲۳ تماس بگیرند.

مراسم رونمایی «بارش برف سرخ»

تازه ترین اثر طیبه گوهری با عنوان «بارش برف سرخ» طی مراسمی عصر روزگذشته رونمایی شد.

ابوتراب خسروی اولین کسی بود که برای سخنرانی در این مراسم پشت تریبون رفت و عنوان کرد: من منتقد نیستم اما امروز سخنانم تحلیلی است که نسبت به کارهای خانم گوهری در طی سال‌ها همکاری با او به دست آورده‌ام. دنیای نوشتن بسیار خاص و ویژه است و نویسنده این امکان را دارد که بر صفحه کاغذ هرگونه بخواهد، تخیل و خلق کند. نوشتن عینِ آزادی است و دیگر تعریف‌هایی مثل آنچه آندرهِ بروتون از رئالیسم و سورئالیسم ارائه می‌داد کاملاً صادق نیست و خواب، رؤیا و کابوس‌هایی که داستان‌های ما از آن‌ها الهام می‌گیرد هم واقعیت یا ادامه واقعیت هستند.

خسروی سپس به تحلیل کتاب «برف سرخ و چند داستان دیگر» طیبه گوهری پرداخت و گفت: در این کتاب تعدد مضامین وجود دارد اما داستان‌هایی از این مجموعه را بیشتر دوست دارم که نگاهی زنانه دارد.»

نویسنده «آواز پر جبرئیل» افزود: البته فرقی بین آثار زنان و مردان وجود ندارد با این‌حال گوهری دریچه‌ای به روی مکان‌های زنانه‌ای که در معرض دید مردان نیست باز می‌کند که برای بسیاری تازگی دارد.

خسروی داستان «تا وقتش برسد» در ابتدای کتاب را درخشان و جذاب توصیف کرد که تاکنون جوایزی هم به دست آورده است. او همچنین به نقش گفتگو در داستان اشاره و خاطرنشان کرد: «گفت‌وگو امکانی را فراهم می‌کند تا مخاطب با فضاهایی دور از محور داستان ارتباط برقرار کند و این موضوع یکی از ارکان داستان‌نویسی گوهری است.» نویسنده «هاویه» گفت: رئالیسم به معنی کپی از واقعیت نیست که در این صورت نمی‌توان آن را داستان دانست و نوشته به گزارش تبدیل می‌شود.

وی ادامه داد: داستان‌های «برف سرخ» دقیق و هنرمندانه و در بسیاری از موارد حاصل مفاهمه و درکِ موقعیت بخشی از جامعه ما است. جزئی نگاری و شیئیت فضا و مکان در آثار گوهری خیلی خوب شکل می‌گیرد و نگاه تیزبین او یک مکان خاص را با استفاده از همین جزئی نگاری و دیالوگ به ادبیات بدل می‌کند!

خسروی حضور طیبه گوهری را در ادبیات معاصر یک غنیمت دانست که در چند دهه اخیر با پشتکار مثال‌زدنی به یکی نویسندگان شناخته شده کشور تبدیل شده است. پس از خسروی، فهیمه حیدری به سخنرانی پرداخت و او نیز آخرین اثر طیبه گوهری را خوش‌خوان، روان و سیال توصیف کرد و گفت: «برف سرخ» طیف مخاطب وسیعی دارد و هم مخاطبان خاص و ویژه و هم عموم مردم آن را دوست خواهند داشت. این منتقد ادبی ادامه داد: نکته مهم در خصوص آثار به عنوان یک ویژگی گوهری گسترانده شدن چتر اخلاق بر آن‌هاست. وی افزود: «برف سرخ و چند داستان دیگر» ۳۱ داستان دارد که راوی ۱۸ داستان آن اول‌شخص و اغلب آن‌ها یک زن است. در واقع گوهری راوی داستان‌هایش را بر اساس شخصیت‌ها و فضای داستان انتخاب می‌کند که این موضوعی قابل‌توجه و هوشمندانه است. حیدری هم که مثل ابو تراب معتقد بود «داستان‌های گوهری وجه زنانه پررنگی دارند » تأکید کرد: «در داستان‌های این نویسنده می‌توان تمام ابعاد وجودی زن ایرانی را یافت.» او گفت: زنانِ داستان‌های گوهری اغلب متعلق به طبقه متوسط شهرنشین هستند هستند که دغدغه‌هایی آشنا دارند اما در کتاب «برف سرخ» همین سوژه‌های آشنا تبدیل به داستان‌هایی درخشان شده است.حیدری با صراحت گفت: گوهری در اغلب داستان‌ها نگاهی جامعه‌شناختی و انتقادی به مسائل دارد و آثارش از اتفاقات فن و تکنیک داستان نویسی بهره برده است. سخنان حیدری که تمام شد نوبت به امضای کتاب برای مخاطبانی که با سخنان این دو منتقد تشنه خواندن «برف سرخ و چند داستان دیگر» شده بودند رسید. این نشست با حضور محمد کشاورز، امین فقیری، فرهاد رفیعی، زهرا پورترک، شهربانو بهجت، محمدرضا زمانی، سارا هلاله، مجتبی فیلی، نایب شیرازی، سندی مؤمنی، ساحل رحیمی پور و جمعی از علاقه مندان در موسسه پیرسوک به دبیری نیما تقوی برگزار شد.